

یک گام به پیش، باز هم به پیش!

«کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری» در اطلاعیه اخیر خود نشان داد یک گام مثبت به جلو برداشته است. در این اطلاعیه اشاره میشود: «کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری تشکل کارگری نیست. این کمیته جمع متشکلی از فعالین کارگری است که برای تحقق اهداف زیر مبارزه میکند.»

سه هدف ذکر شده (یک تا سه) اهدافی است که منافع کل طبقه کارگر را در نظر میگیرد. اما در مورد هدف چهارم، متأسفانه به دلیل نا روشن بودن آن، اینگونه نیست، و به این دلیل میتواند حتی با اهداف قبلی در تناقض قرار بگیرد. در هدف چهارم ذکر میشود: «فراخواندن هیئت مؤسس تشکل سراسری کارگران ایران برای مجمع عمومی، تصویب اسناد پایه ای، و انتخاب ارکان تشکیلاتی این تشکل»

سؤال اینست: این هیئت مؤسس را چه کسی فرا میخواند؟ چه کسانی اسناد پایه ای را تصویب میکنند؟ و چه کسانی ارکان تشکیلاتی این تشکل را انتخاب میکنند؟ آیا این مجموعه همگی بر عهده «کمیته هماهنگی» کنونی است؟ چنانچه اینگونه باشد کدام «بستر» و ایجاد فرهنگ و روحیه تشکل پذیری در میان کارگران ساختن شده است؟ باید توضیح داده شود که «بستر» و «روحیه تشکل پذیری در میان کارگران» در چه روندی و چگونه ساخته میشود؟ متأسفانه هدف شماره چهار نشان میدهد، کمیته هماهنگی کنونی با فراخواندن هیئت مؤسس و تصویب اسناد پایه ای، گویا مرحله بسترسازی به اتمام رسیده و لذا این کمیته خود را ابتدا در هیئت مؤسس و از این طریق در تشکل کارگری منحل میکند. به عبارت روشن تر، کمیته هماهنگی خود به تشکل کارگری تبدیل میشود!

بدون تردید فعالین عزیز در کمیته هماهنگی همه زحمت کشیده تا «روحیه تشکل پذیری» را افزایش دهند؛ اما در عمل زمینه ای برای دخالت بیشترین تعداد فعالین کارگری در تبدیل شدن کمیته هماهنگی به یک تشکل کارگری را ایجاد نمی کنند. متأسفانه روند طرح بالا؛ شرکت سایر فعالین کارگری به غیر از خود کمیته هماهنگی را در نظر نمی گیرد. به عبارت دیگر عنصر دمکراسی کارگری را در خود ندارد. و در نتیجه نه تنها نخواهد توانست «بستر» ساز و موجب تقویت «روحیه تشکل پذیری» شود؛ بلکه موجب رشد گرایش راست سندیکالیستی میشود. زیرا آنها می توانند بیشترین کارگران را به خود جلب کنند. دوستان عزیز در کمیته هماهنگی باید توجه کنند که طرح مطالبات «رادیکال» تنها معیار دخالت دادن کارگران نیست، بلکه مهم تر از آن روش کار دموکراتیک است که منجر به تقویت «روحیه تشکل پذیری» کارگران می گردد. روش ها و برخوردهای غیر دموکراتیک منجر به انزوای گرایش رادیکال می گردد.

بهترین امکان برای بالا بردن «روحیه تشکل پذیری» و بستر سازی برای تشکل یابی، دامن زدن و گسترش سنت دمکراتیک کارگری است. تنها با این سنت است که میتوان امکان اعمال اراده بیشترین فعالین کارگری در تشکل یابی را فراهم کرد. در نتیجه پروسه انتقال «کمیته هماهنگی» به تشکیلات کارگری نمیتواند جدا از به کارگیری دمکراسی کارگری صورت بگیرد. به این منظور است که «کمیته هماهنگی» ناگزیر از فراهم کردن بستر دخالت گری بیشترین فعالین کارگری در امر تشکل یابی می باشد.

روش کار بستر سازی و بالا بردن فرهنگ و روحیه تشکل یابی در این است که فعالین «کمیته هماهنگی» قبل از آنکه اسنادی را با حضور اعضاء کنونی به تصویب برسانند:

۱- شرایط لازم برای دخالت بیشترین فعالین کارگری را در تهیه و تصویب این اسناد فراهم کنند. بنا بر این، روش دمکراتیک این است که «کمیته هماهنگی» ابتدا طرح خود را به عنوان پیشنهاد اعلام کند و برای بحث پیرامون آن مدت زمان لازمی را تعیین کند (مثلاً سه ماه و قابل تمدید).

۲- ضروری است این طرح به همه فعالین کارگری، از جمله فعالین «کمیته پیگیری»، فرستاده شود.

۳- از طریق انتشار یک «بولتن بحث و تبادل نظر کارگری» به عنوان وسیله ای برای پیشبرد بحث و دخالت گری پیرامون تشکل کارگری و مطالبات کارگری، امکان ابراز نظر تمام فعالینی که به منظور فوق تلاش میکنند فراهم میگردد. در یک دوره معین بحث و تبادل نظر بر سر تعیین مطالبات کارگری، همه نزدیکی ها و دوری ها، پیگیری و ناپیگیری، سکتاریزم و رفرمیزم و... نمایان میشود.

همه گرایشات موجود در جنبش کارگری با بحث و تبادل نظر پیرامون مطالبات صنفی، دموکراتیک و انتقالی و مبارزه برای این مطالبات خود را در مقابل توده های کارگر معرفی و نشان خواهند داد. درست همینجاست که میتوان گرایشات مامشات جو و رفرمیزم را جلوی دیدگان انظار نشان داد و با مقابله با آن افشا و منزوی کرد.

همه گرایشات همسو به حول مطالباتی که بیشترین آرا را به خود اختصاص میدهد میتوانند به حول همان مطالبات متحد شده و بستر تشکل یابی را فراهم کنند.

پس از یک دوره بحث و تبادل نظر و انتشار آن است که میتوان اراده بیشترین فعالین کارگری را در فراخواندن هیئت مؤسس اعمال کرد. پس از انسجام و شکل گیری فعالین کارگری پیرامون مباحث انجام شده و مطالبات، نمایندگانی از هر نظر، به نسبت آرا، در یک مجمع عمومی حضور خواهند داشت، و با دخالت خود در تهیه و تصویب اساسنامه و سایر اسناد، هیئت مؤسس را فرا میخوانند. طی این روند است که هیئت مؤسس فراخوانده میشود. این روند است که نشان میدهد دموکراسی کارگری برای دخالت بیشترین نظرات و اراده فعالین کارگری رعایت شده است. درست از این مسیر است که فرقه گرایی به حاشیه رانده میشود. این روند بستر مناسب برای مبارزه با گرایشات انحرافی را فراهم میسازد و مبارزه با این گرایشات را از حالت «درگوشی» درآورده، اینبار رو به کل جنبش کارگری نشان داده و منزوی میکند.

افزایش نیروی کمی کارگری و رشد آن هرچند لازم اما مطلقاً کافی نیست. چنانچه روند مورد بحث بدون موازین دموکراتیک طی شده و حتی اگر با تعداد قابل توجهی آغاز به کار کند، باز بدون مسلط کردن عنصر دموکراسی کارگری بر کل این روند، دیری نخواهد کشید که چنین حرکتی، بدون نفوذ در عمق جنبش کارگری، بدون تاثیر عمیق بر کل این جنبش، خود منزوی میشود. گرایش رادیکال باید سنت نوین بنا نهد، و به تمام کارگران نشان دهد که دموکراسی کارگری مفهومی عالی تری از دموکراسی سرمایه داری و دموکراسی رفرمیستی و سندیکالیستی دارد. یک گام دیگر به پیش ضروری است!

به امید موفقیت فعالین عزیز در کمیته هماهنگی در جهت بستر سازی و رشد فرهنگ دموکراسی کارگری.

علیرضا بیانی

۱۳۸۴/۴/۱۸

ali_reza_bayani@yahoo.com